



در کشور ما نیز فرهنگ پوشش در میان عشایر، روستاییان و بانوان شهری، اعم از مسلمان، زرتشتی، مسیحی و یهودی از قرن‌ها پیش بر اساس حفظ حجاب و پوشیدن لباس‌های بلند بوده و هیچ تصویر تاریخی از برهنگی زن ایرانی وجود ندارد. تا قبل از حکومت ناصرالدین شاه، سنت‌هایی که برآمده از فرهنگ اعتقادی و ملی بود، بر حفظ حجاب تأکید داشت و حتی یک نمونه از زن سر برهنه حتی در میان درباریان دیده نمی‌شود.

پوشش بومی ایرانیان تا زمان قاجار، لباس‌هایی با تنوع رنگ‌های شاد و روشن و زنان با لباس‌های بلند و چارقد‌های بزرگ که سر و سینه را می‌پوشاند و بعضاً چادرهای رنگی و گلدار برگرفته از موقعیت‌های اقلیمی و قومی هر ناحیه از ایران بود و این، پوشش اکثر قریب به اتفاق بانوان ایرانی که از مردم عوام و کم سواد جامعه محسوب می‌شدند، بود و با همین پوشش در کارهای کشاورزی و دامداری پا به پای مرد مشارکت داشتند.

در این میان، حجاب بخش کوچکی از زنان که از زمره بانوان با سواد جامعه بودند و در سلک خانواده‌های وابسته به حکومت مرکزی و خانواده‌های حاکمان محلی و زنان وابسته به خانواده روحانیت و اشراف محسوب می‌شدند، چادر مشکی و نقاب بود، و اتفاقاً از درون هم اینان، نیاز به حضور آزادتر زنان در عرصه‌های اجتماعی و داشتن پوششی سبک و راحت‌تر برای تسهیل در ورود به ساختار اجرائی و فرهنگی کشور احساس می‌شد این تحول در بانوان ایرانی و میل آنان به دگرگونی، بعد از انقلاب صنعتی در غرب و پیامدهای آن به وجود آمد. تا قبل از انقلاب صنعتی که چرخ اقتصادی جوامع بر اساس کشاورزی و اداره حکومت بر مبنای نظام ملوک الطوایفی بود و در آن دوران حمله اقوام به یکدیگر برای غارت و گرفتن غنیمت بسیار رواج داشت و زنان نیز جزو اموال محسوب می‌شدند، هر قومی هم خود را بر حفظ و پوشیده داشتن هر چه بیشتر زنان از دستبرد دشمنان و پنهان کردن آنها مصروف می‌داشت.

بعد از انقلاب صنعتی که با کشف نیروی بخار چرخ‌های کارخانه‌ها، کشتی‌ها و قطارها به حرکت درآمد و با کشف نفت به اوج خود رسید، چرخه اقتصادی از زراعت به صنعت و از نظام ملوک الطوایفی به نظام‌های مدنی تغییر پیدا کرد و تأمین معیشت از طریق غارت و غنیمت از بین رفت، امنیت اجتماعی به حدی رسید که زنان می‌توانستند با آرامش بیشتری نسبت به گذشته وارد اجتماع شوند.

در این برهه از یک سو زنان، که قرن‌ها به دلیل موانع مذکور از حضور در عرصه‌های مختلف محروم بودند، فرصت را غنیمت شمرده وارد صحنه شدند. از سویی دیگر صاحبان صنایع نیز که به دنبال نیروی کار ارزان‌تر و مطیع‌تر بودند، زمینه این ورود را

تسهیل کردند.

گرچه این امر تا حدی منجر به آن شد که از زن به عنوان ابزار جنسی و تبلیغی بهره‌کشی شود، اما در مجموع تحولی مهم برای زنان، این نیمه پنهان جمعیت بشری، بود تا اعتماد به نفس خود را باز یابند و علاوه بر وظیفه خانه‌داری، قابلیت‌های دیگر خود را بروز دهند و حضور مؤثرتری در جامعه داشته باشند. سند فوق نامه یک زن ایرانی به مجلس شورای ملی در ۷۴ سال پیش است. در آن سال (۱۳۰۶ش) نظامیان رضا شاه بنا به درخواست مردم ایران و روحانیون که خواهان رعایت حجاب از سوی بانوان سفرای خارجی و اقلیت‌های مذهبی بودند، به زنانی که رعایت حجاب را نمی‌کردند سخت می‌گرفتند و در این میان حتی زنان محجبه‌ای که نقاب از روی بر می‌داشتند، از دست آنها در امان نبودند و نظامیان برای باج‌گیری، به آنان آزار می‌رساندند.

تاریخ وصول این نامه به مجلس (۱۳۰۶) درست هشت سال پیش از اعلام رسمی قانون کشف حجاب (۱۳۱۴) از سوی رضا شاه با پیامدهای منفی آن چون کشتار مردم در مسجد گوهرشاد و ناهنجاری‌های فراوان فرهنگی اقتصادی است.

این نامه در بردارنده مطالب قابل توجهی است:

۱. پذیرش اصل مسئله حجاب و پوشش مورد نظر اسلام.

۲. اعلام ناراضی‌تبی از حجاب آن دوره (چادر و پیچه) که قدرت تحرک را از زن سلب می‌کرد.

۳. اشاره به حضور فعال زنان فرنگی در صحنه‌های اجتماعی و در نتیجه پیشرفت جوامع غربی.

۴. عقب‌ماندگی ایرانیان به دلیل عدم حضور زنان در عرصه اجتماع.

۵. جان کلام و مهمترین پیش‌نهاد مطرح شده در این نامه ارائه الگویی مناسب و مورد قبول اسلام در زمینه حجاب بود که حضور زن را نیز تسهیل می‌کرد. این الگو بیشتر شبیه پوششی است که مورد استفاده بانوان امروزی است و شهید مطهری در کتاب حجاب خود آن را مطرح کرده است.

از این نامه بسیار جالب و تاریخی مطالب مهمی استنباط می‌شود:

۱- اگر به پیشنهاد این بانو از سوی نمایندگان و هیأت رئیسه مجلس و دیگر نخبگان وقت ترتیب اثر داده می‌شد، و کمی انعطاف از سوی متدینین و حاکمان در پذیرفتن این حجاب برای برخی بانوان مایل به حضور در اجتماع نشان داده می‌شد، دیگر لزومی به تن دادن و تحمل سیاست استعماری کشف حجاب با آن طرز وقیح و اجبار و آن همه پیامدهای منفی نبود و حتی استعمار انگلیس و

رضا خان که به بهانه مدنیت و پیشرفت این قوانین را بر جامعه ما تحمیل کردند، بهانه‌ای برای اعمال آن نمی‌داشتند و ابتکار عمل همواره در دست مردم، علما و نخبگان باقی می‌ماند.

۲- نخبگان جامعه بیشتر اوقات از درک واقعیت‌ها و حل معضلات عاجزند و یا گاهی به دفع‌الوقت می‌گذارانند و یا گاهی...

۳- پیش‌نهاد این زن گمنام از مردم عادی جامعه ما را به این باور می‌رساند که گاهی ایده‌های مهم و بکری به ذهن مردم عادی خطور می‌کند و پیش‌نهادهایی برای حل معضلات ارائه می‌دهند که حتی نخبگان جامعه بدان نرسیده‌اند.

۴- حکومت مرکزی باید در ساختار حکومتی فرایندی ایجاد کند تا این ایده‌ها و پیشنهادها منطقی و مهم که از سطوح پایین و متوسط جامعه برای اصلاح امور ارائه می‌شود، به سطوح بالا برسد و آنان این راهبردها را در عمل به کار گیرند.

۵- جا ماندن حاکمان و غفلت آنان از درک پدیده‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و عدم ارائه الگوی مناسب در برخورد با این پدیده‌ها، کشور را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که منجر به پذیرش الگوهای شوم که با فرهنگ و اعتقادات مردم هیچ سنخیتی ندارد، بلکه سم مهلکی برای آن است.

۶- مقولاتی همچون هنر، موسیقی، ورزش، آزادی، نیاز جوانان به داشتن ارتباطی شرعی و سالم که بیشتر در نیاز به گفتگو و دیالوگ متجلی می‌شود، از جمله مواردی هستند که ما نمی‌توانیم چوب نفی کامل به همه این‌ها بزنیم، بلکه باید با بررسی کامل این پدیده‌ها و پیدا کردن الگوی مناسب با فرهنگ و اعتقادات مردم ایران، راهی کم‌خطر و حداقلی، دست کم برای آن دسته از جوانان خواهان، ارائه دهیم (ضمن اینکه باید الگوهای قوی‌تری نیز برای طبقه معتقدتر جامعه ارائه دهیم) تا مجبور به تن دادن به کج‌تابی‌ها و عصیان‌های اجتماعی نشویم و مهر تأییدی بر این سخن بزنیم که "اسلام در هر شرایطی قادر به اداره حکومت مطابق با فطرت انسانی است"

هدایت یک جامعه چه به سوی تمدن و چه به سوی معنویت، نیازی به زور و فشار ندارد، بلکه به دلیل سازگاری و هماهنگی این دو مقوله با طبیعت و فطرت انسانی، بدون هیچ اجباری و تنها در پرتو مدیریت علمی، توأم با شعور سیاسی و آزاد کردن جامعه از زیر فشارهای روزمره به سرعت قابل حصول است.

توسعه اجتماعی و بسط تمدن، راه و روش تجربه شده را طلب می‌کند که در رأس آن عدم وابستگی سیاسی، اقتصادی و خصوصاً فرهنگی جامعه است و این امر مستلزم آن است که راهبردهای هدایت جامعه و الگوهای مدیریتی از درون تمدن، فرهنگ و اعتقادات آن جامعه اتخاذ و به کار گرفته شود.

۱. متن: بست

۲. ر. ک: اسناد روحانیت و مجلس، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، به کوشش منصوره تدین‌پور ج ۴، ص ۲۷۲، ۱۳۷۹.

۳. قرآن کریم: "لَتَسْكُنَنَّ الْبِهَاتُ": "هن لباس لکم"

۴. البته از نگاه ادیان الهی، خصوصاً اسلام، زن جایگاه ارزشمندی دارد مانند حضرت مریم و حضرت فاطمه (ع)، اما عملاً در تاریخ زن جایگاهی متنزکی داشت.

۵. البته در این مرحله از تاریخ، شکل جدیدی از استعمار پا به عرصه نهاد که به ظاهر خشن نبود.